

### نجات ۲ کوهنورد

### از کوه‌های جاده چالوس

معاون اسداد و نجات جمعیت هلال احمر استان البرز از نجات دو کوهنورد گرفتار در کوه‌های جاده چالوس خبر داد.

داوود رجبی گفت: ساعت ۱۲:۲۳ روز پنج‌شنبه ۶اردیبهشت‌ماه، طی تماس تلفنی با ۱۲ نای امداد و نجات جمعیت هلال احمر، تیم تخصصی امداد و نجات کوهستان پایگاه‌عظیمیه به محل حادثه اعزام شد.

وی افزود: بعد از چند ساعت جست‌وجو، امدادگران توانستند دو جوان ۲۴ و ۳۵ساله‌ای که مسیر راهپیمایی خود را در کوه، گم کرده و در منطقه صعب‌العبور گیر افتاده بودند را نجات دهند.

## دستگیری زوج موتورسوار هنگام سرقت خودرو

رئیس کلانتری ۱۴۴ غیایان از شناسایی و دستگیری زوج موتورسوار، هنگام سرقت یک دستگاه خودروی سواری خیر داد و گفت: در بازرسی از متهمان تعدادی ابزار و آلات ارتکاب جرم کشف شد. به گزارش خبرنگار ما، سهرنگ سعید لیشنی گفت: در پی وقوع چندین فقره سرقت خودروهای سواری، مأموران انتظامی کلانتری، گشت‌های امنیتی هدفمند را آغاز کردند که یکی از گشت‌های انتظامی کلانتری سحرگاه پنج‌شنبه، متوجه رفتار مشکوک زوج موتورسوارى شدند که پلاک انتظامی موتورسیکلت را با قفل و زنجیر پنهان کرده بودند.

وی با بیان اینکه مأموران، مدتی متهمان را تحت مراقبت قرار دادند تا اینکه زوج موتورسوار از موتورسیکلت پیاده شدند و با کلیدی سعی در باز کردن در خودروی سواری کردند، عنوان کرد: بلافاصله مأموران کلانتری سارقان را دستگیر و بازرسی بدنی از آنان، یک شاه کلید خودروهای سواری و تجهیزات دفاعی کشف کردند. وی گفت: متهمان به جرم خود اعتراف کردند و تحقیقات برای شناسایی جرائم احتمالی دیگر متهمان در جریان است.

## سارق کوله‌ها

### در پایانه جنوب به دام افتاد

رئیس کلانتری ۲۰۸ از بازداشت کوله‌های مسافران در پایانه جنوب تهران خبر داد. به گزارش خبرنگار ما، سرگرد ایوب صالحی گفت: تاوجه به سرقت‌های مکرر کوله مسافران در پایانه جنوب، بررسی و تحقیقات میدانی از سوی مأموران تنجسس کلانتری آغاز کرده و در فرصت مناسبی کوله آنان را سرقت کرده است. وی افزود: تعقیب و مراقبت‌های هدفمند، آغاز شد تا اینکه صبح روز گذشته مأموران یکی از گشت‌های انتظامی کلانتری هنگام گشت‌زنی در پایانه جنوب، متوجه رفتار مشکوک فردی شدند که در حال حمل پنج‌کوله پشتی مسافرتی بود که وی را تحت نظر قرار دادند.

سرگرد صالحی، عنوان داشت: پس از دقایقی مراقبت ویژه و اطمینان از تطبیق مشخصات اعلامی سارق کوله‌ها، با متهم تحت مراقبت، مأموران وارد عمل شده و در یک عملیات ضربتی متهم را دستگیر کردند. رئیس کلانتری ۲۰۸ تصریح کرد: متهم که فاگلگیر شده بودند سعی کرد با اظهارات راهبی و پنهان‌های مختلف خود را از دست مأموران رها کنند، اما این امر کارگر نرفتاد و متهم به همراه کوله‌های کشف شده به کلانتری منتقل شد. وی اظهار داشت: در همین اثنا یکی از مالباختگان به کلانتری مراجعه و ضمن شناسایی کوله خود، به طرح شکایتی از سارق اقدام کرد.

وی در پایان با اشاره به تکمیل پرونده با اقرار متهم گفت: متهم که از غفلت مسافران سوءاستفاده و کوله‌های آنان را سرقت می‌کرد برای تحقیقات بیشتر در اختیار کلانتری قرار گرفت.

## ضارب معلم خوزستانی دستگیر شد

یدسر خشمگین که متهم است معلم یکی از مدارس خوزستان را مجروح کرده بازداشت شد. روز چهارشنبه ۶ اردیبهشت‌ماه ۹۷ در پی تأخیر یکی از دانش آموزان روستای دهکده حمیده معلم، دانش آموز را به دفتر مدرسه هدایت کرد تا خانواده‌اش را از ماجرا با خبر کند. لحظاتی بعد در دانش آموز راهی کلاس درس شده و معلم را مورد ضرب و جرح قرار داد. پس از آن بود که آقا معلم که دانشجوی پزشکی دانشگاه جندی شاپور اهواز است به بیمارستان منتقل شد.

به دنبال انتشار خبر، وزیر آموزش و پرورش به معاون حقوقی و امور مجلس مأموریت داد تا این حادثه را به شکل ویژه پیگیری کند و با ضارب بر خوردر قانونی صورت گیرد. براساس این گزارش ضارب معلم بازداشت شد و تحقیقات در جریان است.

## تصادف مرگبار

### پرایدومینی‌بوس

تصادف سواروی پراید با یک دستگاه مینی‌بوس در محور سبیک به نهفت آید در اصفهان. یک کشته و دو زخمی بر جای گذاشت. سهرنگ حسین پورقیمی، رئیس پلیس راه‌استان اصفهان گفت:در جریان این حادثه که روز پنج‌شنبه اتفاق افتاد یک خلم ۲۸ساله که سرنشین پراید بود کشته‌و زنده و دیگر سرنشین خودرو مجروح‌رواهی بیمارستان شدند.وی علت حادثه را تجاوز به چپ‌سواروی پرایداعلام کرد.

## حوادث

سرویس حوادث ۸۸۴۹۸۴۳

# تکرار جنایت علیه ۲کودک‌بی‌گناه

**دو کودک خردسال در جریان دو حادثه جداگانه در شهرستان‌های آق‌قلا استان گلستان و مشهد به طرز دلخراشی به قتل رسیدند. مأموران پلیس عاملان دو جنایت را بازداشت کرده‌اند و تحقیقات از آنها در جریان است.**

به گزارش خبرنگار ما، ظهر روز پنج‌شنبه ششم اردیبهشت‌ماه اعضای خانواده‌ای در روستای گری از توابع شهرستان آق‌قلا در استان گلستان گم شدن سلاله، دخترچهه پنج‌ساله‌شان را به پلیس گزارش دادند. آنها گفتند که سلاله برای بازی به کوجه رفته و دیگر بازنگشته است. آنها همچنین گفتند که به یکی از اهالی که از اشرار محل و مجرم سابقه‌داری است مظنون هستند. مأموران پلیس در اولین تحقیقات متوجه شدند که مرد سرور از خانه‌اش خارج شده و دیگر بازنگشته است. بنابراین وی به عنوان مظنون تحت تعقیب قرار گرفت و چهار ساعت بعد در کشتزارهای اطراف روستا بازداشت شد. متهم وقتی مورد تحقیق قرار گرفت به قتل سلاله اعتراف کرد. مرد ۴۰ساله توضیح داد: هنگام عبور از کوجه سلاله را ربوده و به یکی از انبارهای خالی اهالی روستا منتقل کردم. ابتدا دست و پا و دهانش را بسته و سپس او را خفه کردم. قصد داشتم تا جسد را در جایی دفن کنم که از بلندگوی روستا شنیدم سلاله گم شده و مردم در جست‌وجوی او هستند برای همین جسد را رها و قرار کردم که بازداشت شدم. بعد از اعتراف متهم به جنایت هولناک، مأموران پلیس راهی انبار شده و جسد کودک خردسال را کشف و به پزشکی قانونی منتقل کردند. هادی هاشمیان، رئیس کل دادگستری گلستان گفت: بررسی پزشکی قانونی نشان می‌دهد به این کودک تجاوز شده است. وی گفت: متهم مدعی است با انگیزه انتقام جویی دست به جنایت زده است.

قاتل در بازجویی‌ها اعلام کرده، برای درخواستی به خانه یکی از بستگان کودک مراجعه کرده بود که با پاسخ منفی اعضای خانه



مواجه می‌شود. وی هنگام بازگشت به خانه‌اش با سلاله که از بستگان آن خانواده بود مواجه می‌شود و با انگیزه انتقام وی را ربوده و سپس به قتل می‌رساند.

رئیس کل دادگستری گلستان گفت: تحقیقات از متهم در جریان است و پرونده به صورت ویژه بررسی می‌شود.

**■ قتل پسر بچه ۱۰ساله**

همزمان با وقوع قتل سلاله، پسر بچه‌ای ۱۰ساله به نام محمد حسین در شهرستان مشهد به قتل رسید. دانش آموز ۱۰ساله صبح

# برادران خیاط به کوزه افتادند



او را با ضربات چاقو هدف قرار داد. امیر هم در بازجویی‌ها حرف‌های برادرش را تأیید کرد و گفت: وقتی برادرم با مقتول درگیر شد من ترسیدم و با میله چند ضربه به سر او زدم که سرانجام کشته شد. بعد هم طلاهای او را سرقت کردیم و داخل دستمالی قرمز گذاشته و بالای کابینت خانه‌مان پنهان کردیم.

بعد از اعتراف دو متهم، مأموران پلیس راهی خانه متهمان در خیابان ۱۵خرداد شده و طلاهای سرتقی که حلقه، انگکو و یک عدد انگشتر بود به همراه آلت قتاله کشف کردند.

سهرنگ کارآگاه حمید مکر، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: تحقیقات بیشتر از دو متهم در اداره دهم پلیس آگاهی تهران جریان دارد.

# همدستی باهمسر برای خالی کردن حساب مشتریان

قصد انجام عملیات بانکی داشت همسر هم از نزدیک شده و رمز کارت او را نگاه می‌کرد و به خاطرش می‌سپرد. سپس من در نقش کسی که قصد کمک کردن دارد به او نزدیک می‌شدم و کارت عابر بانک وی را با کارتی مشابه عوض می‌کردم و در فرصتی مناسب موجودی حسابش را خالی می‌کردیم.
به اعتراف متهم، همسر ۴۵ساله‌اش زهرا هم بازداشت شد. او درباره انگیزه‌اش برای سرقت گفت:در خیابان قصرالدشت مقابل عابر بانک ایستاده بودم. یک نفر بعد از انجام عملیات بانکی باجه را ترک کرد و کارت‌ش را جا گذاشت. کارت را برداشتم تا آن را به صاحبش برسانم، اما او را پیدا نکردم. به خاطر اینکه تصادفا رمز کارت را دیده بودم و سوسه شدم تا موجودی حساب را برداشت کنم. ماجرا را برای شوهرم تعریف

## رائنده تاکسی در ایستگاه محاکمه

رائنده تاکسی‌که به بهانه انرژی درمانی، دختر جوانی را فریب داده و بعد از اسخا‌ی ۴۵میلیون تومانی وی را به قتل رسانده بود، در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران پسای میز محاکمه قرار خواهد گرفت. به گزارش خبرنگار ما، هفتم آبان‌سال ۹۶، زن میانسال به نام مهین سا مراجعه به اداره پلیس مأموران را از ناپدید شدن دختر ۲۰ساله‌اش به نام مهتاب باخبر کرد و در توضیح ماجرا به مأموران گفت: «دخترم دانشجوی است و در شرکتی مشغول کار است. او مدتی قبل مبلغی پول به یکی از آشناها که مرد میانسالی بود قرض داده بود و صبح روز گذشته قرار داشت تا آن پول را برای سرمایه‌گذاری در کاری پس بگیرد، ولی تا این ساعت از دخترم خبری ندارم و هنوز به خانه برگشته است. وقتی از آن مرد نیز در مورد مهتاب پرسیدم او هم بی‌خبر بود.» زن میانسال در ادامه گفت: «حقوقی پیش یک کارگر شهرداری تماس گرفت و گفت کیف دستی دخترم را در جاده ملارد پیدا کرده است. من و پسرم برای تحویل کیف به همان نشانی رفتم و کیف را تحویل گرفتیم، اما خالی از پول بود. نگرانم و از شما کمک می‌خواهم.»

بعد از توضیحات زن میانسال تلاش پلیس برای جست‌وجو و یافتن دختر جوان آغاز شد و در روند تحقیقات بود که جسد آن دختر در جاده شهریار پیدا شد. با انتقال جسد به پزشکی قانونی و تأیید هویت آن از سوی خانواده مهتاب ۲۰ساله پرونده با موضوع قتل عمد تشکیل شد. به این ترتیب تحقیقات وارد مرحله تازه‌ای شد و در بررسی تلفن همراه مقتول، رد مرد ۴۲ساله‌ای به نام اکبر پیدا شد که روز حادثه چندین بار با دختر جوان تماس گرفته بود.

سرانجام اکبر به عنوان اولین مظنون بازداشت شد و تحت بازجویی قرار گرفت. او ابتدا سعی داشت پلیس را گمراه کند، اما در مراحل بازجویی بالاخره لب به اعتراف کشود و به قتل دختر جوان اعتراف کرد و گفت به خاطر طلبی که از مهتاب داشته او را کشته است. متهم بعد از بازسازی صحنه جرم اما در بازجویی‌های بعدی حقیقت را گفت و در توضیح به مأموران گفت: «در زندگی شخصی‌ام کمبودهای زیادی داشتم به همین دلیل بار زنان زیادی در ارتباط بودم. شغلم رانندگی بود و با تاکسی مشغول مسافر کشی بود تا اینکه روزی مادر مهتاب به عنوان مسافر سوار ماشینم شد. در مسیر او از مشکلاتش گفت.

وقتی حرف‌های زن زن را شنیدم به دروغ گفتم با انرژی درمانی می‌توانم او را در مشکلاتش کمک کنم. آن زن باور کرد و حتی برای درمان درهای استخوانی‌اش از من کمک می‌گرفت. این بهانه‌ای شد تا با خانواده او بیشتر آشنا شوم تا جاییکه بارها برای انرژی درمانی به خانه او و دیگر اعضای خانواده‌اش رفت و آمد داشتم.» متهم در ادامه گفت: «در این رفت و آمدها بود که با مهتاب رابطه‌ام نزدیک‌تر شد و او مرا در جریان همه مشکلات و کارهایش قرار می‌داد. وقتی فهمیدم مهتاب به من اعتماد دارد از آنجائیکه با مشکلات مالی مواجه بودم در چند نوبت از او پول قرض کردم که در مجموع ۴۵میلیون تومان با دو نیم‌سکه شد.» متهم در خصوص قتل گفت: «قرار بود سر وقت این بدهی را به مهتاب برگردانم، چون پولی نداشتم همانجا نقشه قتل او را گذاشتم تا بعد از چند بار مهلت، روزی مهتاب تماس گرفت و قرار شد حوالی متروی صادقیه دنبالش بروم. بعد از ساعتی او با مصیبت از من خواست تا پول هایش را برای سرمایه‌گذاری در کاری برگردانم. چون پولی نداشتم همانجا نقشه قتل او را کشیدم و در مسیر کرج در جاده مخصوص. از ماشین پیاده شدم و از صندوق عقب پارچه‌ای که برای نظافت ماشین از آن استفاده می‌کردم، برداشتم. در این لحظه شال را دور گردن مهتاب پیچیدم و او را خفه کردم. سپس جسدش را در جاده شهریار انداختم و نیمه‌شب به خانه برگشتم.» بعد از اظهارات متهم، مادر دختر جوان نیز تحت بازجویی قرار گرفت و گفت: «وقتی اکبر مدعی شد در کار انرژی درمانی است به او اعتماد کردم و همین باعث شد پای او به خانه‌م خوردم و دیگر اعضای خانواده‌ام باز شود. در این رفت و آمدها بود که دخترم به خاطر بیماری افسردگی با اکبر خیلی صحبت می‌کرد. همین باعث شد مهتاب به او اعتماد بیشتری پیدا کند تا جایی که برای کار با او مشورت می‌کرد.» زن میانسال در حالی که گریه می‌کرد در ادامه گفت: «چند سال قبل خانم‌ام را فروختم تا خانه بزرگتری بخرم. وقتی اکبر متوجه شد قول داد خانه‌ای با قیمت مناسب برام پیدا کند، به همین بهانه پولم را گرفت، اما دو سالی گذشت نه از پول خبری بود و نه از خانه، وقتی متوجه اعتماد بیش از حد مهتاب به اکبر شدم این موضوع را به دخترم گفتم، اما بی‌فایده بود و او کاملاً اعتماد مهتاب را به خودش جلب کرده بود و حرف‌هایم تأثیری نداشت.»

بعد از کامل شدن تحقیقات، متهم با در خواست قصاص از سوی اولیایم‌ده روانه زندان شد و پرونده بعد از صدور کیفرخواست به شعبه دهم داد‌گاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. به این ترتیب متهم به زودی در آن شعبه به ریاست قاضی قرین‌زاده محاکمه خواهد شد.

